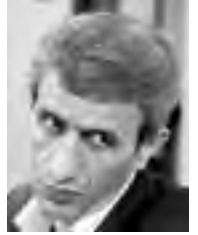


فرخ بهره و اقتصاددانان





نویسنده:
علی فتاحی

متأسفانه هیچ‌گاه اقتصاددانان مستقل در مورد نرخ بهره و رابطه آن با تورم در ایران موضع گیری شفاف و قابل تعمقی نداشته‌اند، بلکه بیشتر اقتصاد خوانده‌های جناح سیاسی طرفدار بورژوازی مالی عموماً از لزوم تبعیت نرخ بهره از تورم سخن گفته‌اند، با وجود این اقتصاددانان آگاه به ویژگی‌های سرمایه داری دولتی حاکم بر ایران در این مورد دم فرو بسته‌اند.

نگاه اقتصاددانان طرفدار اقتصاد بازاری در ایران به ساخت اقتصادی کشور مثل دیدگاه پدران در یکصد سال قبل نسبت به فرزندان نابالغ شان است، هنگامی که پیش از آنکه فرزندان به سن بلوغ برسند، آنها را به ازدواج هم‌دیگر در می‌آورند تا آنکه وقتی به سن رشد رسیدند با یکدیگر زندگی کنند.

داستان پیوند نرخ بهره با تورم نیز از همین قرار است یعنی نرخ بهره در صورتی می‌توانست از نرخ تورم تبعیت کند که شرایط رقابت اقتصادی در چارچوب اقتصاد آزاد در حوزه‌های مختلف پول، سرمایه و کالا وجود می‌داشت، وقتی دو سوم اقتصاد ایران دولتی با مشخصه سرمایه داری دولتی است و نرخ کالاهای اصلی نظیر ارز و انرژی و فولاد و پتروشیمی و حتی خودرو توسط دولت و یا ایادی به دولت تعیین می‌شود و تقاضا نقشی تعیین کننده در آن ندارد، خصوصاً در حالی که نیروی کار سهم قابل قبولی از درآمد ملی را به چنگ نمی‌آورد، چگونه می‌توان سخن از نرخ بهره افزون بر نرخ تورم بر زبان آورد. گذشته از این وقتی بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب شد فرض بر آن بود که بانک بنا بر عقود ۹ گانه با وام گیرنده به وکالت از سوی سپرده گذار شریک می‌شود و سود حاصل میان آنها با توافق قبلی تقسیم می‌گردد. اگر بانکداری

بدون ربا اجرا شده بود آیا اساساً صحبت از نرخ تورم بعنوان سنجه نرخ بهره درست بود؟ پس باید نتیجه بگیریم که بانکداری بدون ربا اجرا نشده است تا این نتیجه حاصل شود که امروز اظهار می‌کنند نرخ سود علی الحساب باید تورم را پوشش دهد، حال آنکه اگر نرخ سود علی الحساب فقط دو درصد در سال تعیین شود ولی وقتی حاصل عملیات بانکی با وام گیرنده مثلاً ۳۵ درصد سود کند آنگاه بانک‌ها محق هستند نصف آن یا هر نسبتی را که به توافق رسیده‌اند محاسبه نمایند و سود واقعی را از وام گیرنده دریافت کنند. در حقیقت همین که طی ۲۵ سال گذشته هیچ بانکی به سراغ وام گیرنده نرفته تا الباقی سود استحصال را دریافت کند دلیلی بر آن است که یا قانون بانکداری بدون ربا اجرا نشده است و یا آنکه بانک‌ها در عمل متوجه شده‌اند که سود حاصل از تولید و تجارت در آن حد و اندازه‌ای نیست که بیش از سود علی الحساب که دریافت کرده‌اند قابل استرداد باشد. در صورتی که قانوناً بنا بر صریح ماده پنج مصوب قانونی بانکداری بدون ربا مجوز این درخواست را داشته‌اند.

پس عمل سی ساله بانک‌های کشور حاکی از آن است که در شرایط انحصار در اقتصاد ایران تبعیت نرخ بهره از نرخ تورم معادل افزایش مضاعف سبب هزینه‌های آنها را تشکیل می‌دهد و چیزی برای پس انداز آنها باقی نمی‌گذارد، ولی بهره‌وری پایین بانک‌های دولتی و زیاده‌خواهی مفرط بانک‌های خصوصی، کودکان سرمایه گذار نوپای کشور را به ازدواج سنتی و زود هنگام با تورم مجبور می‌سازد و اقتصاد نحیف خصوصی ایران را بیش از پیش ضعیف و سفته بازی را دامن می‌زند، در غیر این صورت باید پذیرفت همپوشانی نرخ بهره با تورم به معنی آن است که بانکداری بدون ربا قابل اجرا نیست!

لذا چاره‌ای نیست جز آنکه با کاهش شدید و

اساسی نرخ سود علی الحساب تسهیلات، بانک‌های کشور را مجبور ساخت، بانکداری عملیاتی را جایگزین بانکداری ستادی و نمایشگاهی کنند و زمینه اجرایی واقعی بانکداری بدون ربا را مهیا سازند، چون وقتی نرخ سود علی الحساب پایین بود و بانک‌ها اجبار شوند سود اصلی را در نتیجه عملیات وام دهی استحصال کنند آنگاه گیرنده و بانک است محقق خواهد شد، واضح است که برای جلوگیری از تبانی، نظام مالیات ستانی می‌تواند با ابزارهای مالیاتی از ابراز سودهای واهی جلوگیری کند، در این صورت معایب و محاسن بانکداری بدون ربا آشکار می‌گردد.

در هر حال هر قدر نرخ سود علی الحساب کاهش یابد، بانک‌ها به سوی اجرای قانون بانکداری بدون ربا هدایت می‌گردند و هر مقدار نرخ سود علی الحساب افزایش یابد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا به ویژه در شرایط کنونی اقتصاد ایران دور خواهند شد اما با وجود این چون قانون بانکداری بدون ربا عملاً مرز میان بانک تجاری و بانک سرمایه گذاری را از میان برداشته و بازار سرمایه را در خود حل کرده و یا نحیف و بی‌رمق ساخته، بنابراین دور باطل رابطه نقدینگی و تورم در ایران حل نخواهد شد مگر آنکه سه واقعه زیر اتفاق افتد:

- الف - پیش از هر اقدامی باید حقوق بورژوازی مالی را از طریق تعاملی سیاسی مشخص ساخت،
- ب - قانون بانکداری مناسب این حقوق تدوین شود،
- ج - جایگاه و سهم بانکهای تجاری از یکسو و بانک‌های سرمایه گذاری از سوی دیگر در بازار پول تعیین شود.